

نقش شجاعت در کربلا

<?xml encoding="UTF-8?">

شجاعت آن است که انسان در برخورد با سختی‌ها و خطرهای دلی استوار داشته باشد. (1) بیشتر کاربرد این واژه، در مسائل مبارزات و جهاد و برخورد با حریف در نبرد و نهراسیدن از رویارویی با دشمن در جنگ‌ها است. این نیروی قلبی و صلابت اراده و قوت روح، سبب می‌شود که انسان هم از گفتن حق در برابر ظالمان نهراسد، هم هنگام نیاز به مقابله و نبرد بپردازد، هم از فداکاری و جانبازی نهراسد. در جایی که اغلب مردم می‌هراسند، شجاعت آن است که انسان علی‌رغم وجود زمینه‌های هراس، نترسد و خود را نبازد و با غلبه بر مشکلات، تصمیم‌گیری حق و درست داشته باشد.

شجاعت عاشوراییان ریشه در اعتقادشان داشت. آنان که به عشق شهادت می‌جنگیدند، از مرگ ترسی نداشتند تا در مقابله با دشمن، سست شوند. از این رو لشکریان دشمن پیوسته از برابرشان می‌گریختند. و چون یارای رزم فردی با این شجاعان را نداشتند، حمله عمومی به یک فرد می‌کردند، یا از دور، یاران امام را سنگباران می‌کردند. همه رشادتها و حماسه آفرینی‌های میدان‌های جهاد، مدیون دلیری شجاعان در نبرد بوده است و همه در هم شکستن ابهت طاغوت‌ها و قدرت‌های جابر نیز در شجاعت افراد مصمم در رویارویی با آنان نهفته است. نترسیدن از مرگ، یکی از مظاهر آشکار شجاعت است و همین عامل، امام حسین علیه‌السلام و یارانش را به نبرد عاشورا کشاند تا حماسه‌ای ماندگار بیافرینند.

وقتی امام از مکه به سمت کوفه حرکت می‌کرد و در طول راه کسانی با وی برخورد می‌کردند و با طرح اوضاع آشفته عراق و استیلاي ابن زیاد بر مردم، او را از عواقب این سفر می‌ترساندند، شجاعت و بی‌باکی امام حسین علیه‌السلام از مرگ بود که این سفر را حتمی می‌ساخت. در برخورد با سپاه خُر فرمود:

«لَيْسَ شَأْنِي شَأْنُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ» (2) ؛

شان و موقعیت من، موقعیت کسی نیست که از مرگ بهراسد.

در جایی دیگر فرمود که من نه دست ذلت به اینان می‌دهم و نه چون بردگان فرار یا اقرار می‌کنم. (3) سخن امام حسین علیه‌السلام و دیگر خاندان او در مواقع مختلف که «أَبِالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي»؛ (آیا مرا از مرگ می‌ترسانی؟) نشان دهنده بی‌هراسی این خاندان از مرگ است.

خصلت شجاعت در بنی‌هاشم و خاندان پیامبر، زبانزد بود. امام سجاد علیه‌السلام نیز در سخنرانی شورانگیز خویش در مجلس یزید فرمود که به ما شش چیز داده شده و با هفت چیز از دیگران برتریم؛ و شجاعت را در زمره آنها بر شمرد:

«أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْجِلْمَ وَالسَّمَاخَةَ وَالشَّجَاعَةَ ...» (4)

بالتر از همه اینها، شجاعتی است که امام حسین علیه‌السلام و اهل بیت او و یارانش در صحنه‌های مختلف عاشورا نشان دادند که خود کتابی مفصل می‌شود؛ مانند رشادتی که مسلم بن عقیل در کوفه هنگام نبرد از خود نشان داد یا شجاعت و رزم‌آوری یاران امام در میدان کربلا، آن چنان بود که فریاد همه را برآورد و یکی از سران سپاه کوفه خطاب به سربازان فریاد زد: ای بی‌خردان احمق! می‌دانید با چه کسانی می‌جنگید؟ با شیران شرنه (تند و تیز و خشمگین)، با گروهی که مرگ آفرین‌اند. هیچ کدامتان به هم‌وردی آنان به میدان نروید که کشته می‌شوید! (5) دلاوری عبدالله بن عقیف ازدی در مقابل ابن زیاد و سپس درگیری‌اش با سپاه مهاجم به خانه‌اش و

صدها نمونه ابن دلیری‌ها. دشمنان امام حسین علیه‌السلام و یاران شجاع او را اینگونه توصیف کرده‌اند: کسانی بر ما تاختند که پنجه‌هاشان بر قبضه شمشیرها بود، همچون شیران خشمگین بر سواره‌های ما تاختند و آنان را از چپ و راست تار و مار کردند و خود را در کام مرگ می‌افکندند... (6) عاشورا

شجاعت عاشوراییان ریشه در اعتقادشان داشت. آنان که به عشق شهادت می‌جنگیدند، از مرگ ترسی نداشتند تا در مقابله با دشمن، سست شوند. از این رو لشکریان دشمن پیوسته از برابرشان می‌گریختند. و چون یارای رزم فردی با این شجاعان را نداشتند، حمله عمومی به یک فرد می‌کردند، یا از دور، یاران امام را سنگباران می‌کردند. یکی از روایان حوادث کربلا به نام حمید بن مسلم درباره قوت قلب امام می‌گوید: به خدا سوگند! هیچ محاصره شده‌ای در انبوه مردم را ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند و همچون حسین بن علی قوی‌دل و استوار و شجاع باشد. مردان دشمن، او را محاصره کرده بودند، او با شمشیر بر آنان حمله می‌آورد و همه از چپ و راست فرار می‌کردند. شمر چون چنین دید به سواره‌های خود فرمان داد تا به پشتیبانی نیروهای پیاده بشتابند و امام را از هر طرف تیرباران کنند:

«وَاللّٰهُ مَا رَايْتُ مَكْتُورًا قَدْ قُتِلَ وَلَدُهُ وَ اَهْلَ بَيْتِهِ وَ اصْحَابُهُ اَرْبَطُ جَاشِئًا وَ لَا اَمْضٰى جَنَانًا مِنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ...» (7) در زیارتنامه‌های متعدد، به صف شجاعت سیدالشهدا و یاران او اشاره شده است، از قبیل «بَطَلُ الْمُسْلِمِينَ»، «فُرْسَانُ الْهَيْجَاء»، «لُيُوثُ الْغَابَات» که آنان را به عنوان قهرمان مسلمانان، تک سواران نبرد، شیران بیشه شجاعت و ... ستوده‌اند. (8)

عاشورا الهام‌بخش شجاعت به مبارزان بوده است و محرم همواره روحیه شهادت و ظلم‌ستیزی به مردم می‌داده است. به تعبیر حضرت امام خمینی: «ماه محرم ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد، ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد، ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت...» (9) با توجه به این که مایه شهادت و شجاعت، در متن قیام عاشورا و در عمل و گفتار شهدای کربلا موج می‌زند، سزاوار است که این محتوا برای مردم، به ویژه جوانان بیشتر تشریح شود، تا علاوه بر اشکی که بر مظلومیت شهدای کربلا و شهادت حسین بن علی علیهما‌السلام می‌ریزند، از شجاعت آنان نیز درس بگیرند. یادآوری شجاعت روحی حضرت زینب علیها‌السلام در مواجهه با مشکلات و آن همه داغ و شهادت و نیز خطابه‌های آتشین او در کوفه و دمشق در مقابل جباران زمان، بانوان ما را نیز شجاع و دلیر بار می‌آورد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- مجمع‌البحرین، واژه «شجع».
- 2- احقاق الحق، ج 11، ص 601.
- 3- بحارالانوار، ج 45، ص 6.
- 4- مقتل خوارزمی، ج 2، ص 69.
- 5- وقعة الطف، ص 224.
- 6- عنصر شجاعت، ج 1، ص 20.
- 7- ارشاد، شیخ مفید، ج 2، ص 111.

8- زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه رجب، (مفاتیح الجنان، ص 441 و 446).

9- صحیفه نور، ج 3، ص 225.

منبع: پیام‌های عاشورا، جواد محدثی .